

بہلول عاقل

www.ketab.ir

امجد مہجوری - صادق طالبی مازندرانی

مهجوری، احمد، -
زندگانی و حکایت وهب بن عمرو صیرفی معروف به بهلول عاشق / مولفین: احمد
مهجوری، صادق طالبی مازندرانی. - قم: آئینه‌دار علقمه، ۱۳۹۲.
۱۹۲ ص.
۶۵۰۰۰ ریال:

ISBN: 978-600-94151-3-7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
کتابنامه: ص. [۱۹۰ - ۱۹۲]؛ همچنین به صورت زیرنویس
۱. بهلول مجنون، بهلول بن عمرو، ۱۹۰ق. - سرگذشتنامه. ۲. بهلول مجنون، بهلول بن
عمر، ۱۹۰ق. - لطیفه‌ها. ۳. لطیفه‌های فارسی - مجموعه‌ها. الف. طالبی مازندرانی، صادق، -
نویسنده همکار. ب. عنوان.

۸۹۲/۷۷
۲۹۹۸۹۸۷

PN ۶۲۲۲/ع۴ ۹۲۸۴
۱۳۹۲



بهلول عاقل

- مولف: ■ احمد مهجوری - صادق طالبی مازندرانی
□ ناشر: ■ انتشارات آئینه‌دار علقمه
□ چاپ: ■ قم - چاپخانه‌ی کتیبه
□ صحافی: ■ قم - صحافی قائم
□ نوبت چاپ: ■ اول (برای این ناشر)
□ چاپ کل: ■ سوم
□ شمارگان: ■ ۳۰۰۰ جلد
□ شابک: ■ ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۵۱-۳-۷
□ قیمت: ■ ۶۵۰۰۰ ریال
□ مرکز پخش: ■ همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۹۰۲۹ تلفن: ۰۲۵۳۳۳۶۵۰۵۶
□ حق چاپ محفوظ و متعلق به ناشر می‌باشد.

فهرست مطالب

۱۵.....	مقدمه
۱۷.....	بخش اول: معرفی بهلول
۱۹.....	سیمای بهلول عاقل
۲۰.....	در عصر امام صادق علیه السلام
۲۳.....	بهلول در عصر امام کاظم علیه السلام
۲۵.....	چرا دیوانگی؟
۲۶.....	زندگی، درد و رنج
۲۷.....	تجربهای دیگر
۲۹.....	منابعی که بهلول را معنی نموده اند
۳۷.....	بخش دوم: مناظرات، حکایات و مواظ
۳۹.....	مناظرات و قضاوات
۳۹.....	۱. قضاوت بهلول و جواب دندان شکن
۴۲.....	۲. بهلول و اهل سنت
۴۴.....	۳. گله‌ی بدون چوپان
۴۷.....	۴. مباحثه بهلول با مرد فقیه
۵۱.....	۵. قضاوت بهلول در محضر قاضی
۵۳.....	۶. بهلول و ابوحنیفه
۵۵.....	۷. سؤال هارون از بهلول
۵۷.....	۸. تدبیر نمودن بهلول
۵۸.....	۹. قضاوت نمودن بهلول
۵۹.....	۱۰. سؤال هارون از بهلول
۶۱.....	۱۱. عفو و عاقبت
۶۱.....	۱۲. بهلول و قاضی

۱۳. بهلول و سیاح ۶۳
۱۴. آخرت هارون الرشید چگونه است ۶۵
- حکایات و مواعظ ۶۷
۱. پند دادن بهلول به عبدالله مبارک ۶۷
۲. پند دادن بهلول فضل ابن ربیع را ۷۱
۳. بهلول و زید مجنون ۷۴
۴. شخم زمین قبر سیدالشهداء علیه السلام ۷۵
۵. بهلول و دزد ۷۶
۶. جنید و درس هایی از بهلول ۷۸
۷. تعلیم دادن بهلول به یکی از دوستان ۸۰
۸. غضب نمین هارون و بخشیدن بهلول را ۸۲
۹. هارون و مرد شیاد ۸۳
۱۰. هارون و صیاد ۸۵
۱۱. سؤال هارون درباره امین و مأمون ۸۷
۱۲. جواب بهلول به هارون ۸۹
۱۳. بهلول و هارون ۹۲
۱۴. سؤال هارون از بهلول درباره علی علیه السلام ۹۳
۱۵. بهلول و خرقة و نان جو و سرکه ۹۶
۱۶. موعظه ۹۸
۱۷. تلاوت قبل از وحی ۹۸
۱۸. پندی از بهلول ۹۹
۱۹. هارون و مشروب ۱۰۰
۲۰. بهلول و غلامی که از تلاطم دریا می ترسید ۱۰۱
۲۱. بهلول و سوداگر ۱۰۲
۲۲. بهلول و امیر کوفه ۱۰۳
۲۳. پند دادن بهلول به هارون ۱۰۴
۲۴. بهلول و طیب دربار هارون ۱۰۵

۲۵.	بهلول و طعام خلیفه.....	۱۰۶
۲۶.	نشستن بهلول در مسند هارون.....	۱۰۷
۲۷.	بهلول و هارون.....	۱۰۸
۲۸.	بهلول و شیبه اسب.....	۱۰۸
۲۹.	نوشته بهلول.....	۱۰۹
۳۰.	بهلول و صاحب حساب.....	۱۰۹
۳۱.	السلام علیک یا الله.....	۱۱۰
۳۲.	شوخی با بهلول.....	۱۱۰
۳۳.	حمام رفتن بهلول.....	۱۱۱
۳۴.	قصه مسجد ساختن فضل بن ربیع.....	۱۱۲
۳۵.	روز قیامت.....	۱۱۳
۳۶.	وجه معاش بهلول.....	۱۱۴
۳۷.	خانه‌ای در بهشت.....	۱۱۴
۳۸.	دیوانه سوم.....	۱۱۶
۳۹.	ساده زیستی و تواضع.....	۱۱۷
۴۰.	تو هم چهارمی هستی.....	۱۱۸
۴۱.	حائل بین عذاب و رحمت.....	۱۱۸
۴۲.	بهلول و ذوالقرنین.....	۱۱۹
۴۳.	بهلول و داروغه.....	۱۲۰
۴۴.	بهلول در گورستان.....	۱۲۱
۴۵.	پاسخ به اذیت بچه ها.....	۱۲۱
۴۶.	نان بسیار گران شده و بهلول دعا نمی‌کند.....	۱۲۲
۴۷.	شعری از بهلول.....	۱۲۳
۴۸.	شعری دیگر از بهلول.....	۱۲۳
۴۹.	قصه سنگ زدن.....	۱۲۴
۵۰.	بی وفایی دنیا.....	۱۲۴
۵۱.	بهلول پند می‌شنود و پند می‌دهد.....	۱۲۵

۵۲. داروغه شهر ۱۲۵
۵۳. تأثیر دعای بهلول ۱۲۶
۵۴. احوالپرسی حاکم از بهلول ۱۲۶
۵۵. آمدن بهلول از قبرستان و سوال از او ۱۲۷
۵۶. عاقبت ثروتمندان و فقیران ۱۲۸
۵۷. ترازوی نامیزان ۱۲۸
۵۸. سوال از بهلول ۱۲۹
۵۹. بهلول و مستخدم ۱۲۹
۶۰. بهلول و مرد شیاد ۱۳۰
۶۱. بهلول و دزد ۱۳۰
۶۲. بهلول و خلیفه ۱۳۱
۶۳. بهلول و وزیر ۱۳۱
۶۴. حمام رفتن بهلول و هارون ۱۳۲
۶۵. بهلول و منجم ۱۳۲
۶۶. بهلول در سر سفره ۱۳۳
۶۷. هارون الرشید و شکار ۱۳۳
۶۸. الاغ عمرش را به خلیفه داد ۱۳۳
۶۹. بهلول و ابله ۱۳۴
۷۰. همنشینی با همنوعان ۱۳۴
۷۱. سوال مردی از بهلول درباره شیطان ۱۳۴
۷۲. همنشینی با مردگان ۱۳۴
۷۳. شخص ثروتمند و بهلول ۱۳۵
۷۴. فتنه، دشمنی و شهادت ۱۳۵
۷۵. کلنگ را بردار ۱۳۶
۷۶. قیمت دوستی ۱۳۶
۷۷. جنون ۱۳۷
۷۸. خلیفه شدن بهلول ۱۳۷

۷۹.	تشیع جنازه.....	۱۳۷
۸۰.	سبک بودن اندیشه.....	۱۳۸
۸۱.	نردبان دو طرفه.....	۱۳۸
۸۲.	اشتراک.....	۱۳۸
۸۳.	تاوان آزاد بودن بهلول.....	۱۳۹
۸۴.	بهلول محتاج دعای بچه‌ها می‌شود.....	۱۳۹
۸۵.	اموال بهلول.....	۱۳۹
۸۶.	خندانن توانگر.....	۱۴۰
۸۷.	حرف زدن و نجوا کردن با خود.....	۱۴۰
۸۸.	خوب کار نکردن فکر خلیفه.....	۱۴۱
۸۹.	راز حول عمر آسم.....	۱۴۱
۹۰.	مشورت با بهلول.....	۱۴۱
۹۱.	هضم طعام.....	۱۴۲
۹۲.	نصف دیگرش را به که بفروشم.....	۱۴۲
۹۳.	عیادت کردن بهلول.....	۱۴۲
۹۴.	ماه گذاخته و باریک شده.....	۱۴۳
۹۵.	دو بلا در یک زمان.....	۱۴۳
۹۶.	دزدیدن کفش بهلول.....	۱۴۳
۹۷.	بنالد تا گلوی پاره شود.....	۱۴۳
۹۸.	وقت طعام خوردن.....	۱۴۴
۹۹.	مستجاب شدن دعا.....	۱۴۴
۱۰۰.	بی ادبی شخصی در حضور بهلول.....	۱۴۵
۱۰۱.	وجود شریف شما.....	۱۴۵
۱۰۲.	مدح خلیفه گفتن.....	۱۴۵
۱۰۳.	بهلول و جاهل.....	۱۴۵
۱۰۴.	سؤال کردن از بهلول.....	۱۴۶
۱۰۵.	به سمت جامه‌های خود.....	۱۴۶

۱۰۶. دعوی شخصی در نزد بهلول ۱۴۶
۱۰۷. شاعر یاوه سرا ۱۴۶
۱۰۸. آب زمزم ۱۴۷
۱۰۹. عذاب اهل مجلس از خوانندگی مطرب ۱۴۷
۱۱۰. تعبیر خواب خلیفه ۱۴۷
۱۱۱. وجود مبارک خلیفه ۱۴۸
۱۱۲. مصیبت عظیم ۱۴۸
۱۱۳. موجود احمق ۱۴۸
۱۱۴. دیوانه و بهلول ۱۴۹
۱۱۵. بالا رفتن بهلول از درخت ۱۴۹
۱۱۶. بنر سرخ جانور ۱۴۹
۱۱۷. حین درانه ۱۵۰
۱۱۸. عاقلان سر ۱۵۰
۱۱۹. استراحت کردن ۱۵۰
۱۲۰. دنیا را چگونه می بینی؟ ۱۵۱
۱۲۱. جواب بهلول به زن بدکاره ۱۵۱
۱۲۲. یک موی تو ۱۵۲
۱۲۳. زن گرفتن بهلول ۱۵۲
۱۲۴. خلیفه عادل ۱۵۲
۱۲۵. وحشت ۱۵۳
۱۲۶. نزدیکترین راه ۱۵۳
۱۲۷. تلخ ترین چیز ۱۵۳
۱۲۸. ارث ۱۵۴
۱۲۹. بهلول و سر تراشی ۱۵۴
۱۳۰. جواب تمسخر ۱۵۴
۱۳۱. دعای سگ بند ۱۵۴
۱۳۲. برای من رازی بگو ۱۵۵

۱۳۳. ریش تو یا دم سگ.....	۱۵۵
۱۳۴. تلخ ترین چیز.....	۱۵۶
۱۳۵. خواب.....	۱۵۶
۱۳۶. دکان سلمانی.....	۱۵۶
۱۳۷. احسنت به مرغ.....	۱۵۶
۱۳۸. آدم ابله.....	۱۵۷
۱۳۹. وصف بزرگواری.....	۱۵۷
۱۴۰. شایسته لطف تو باشم.....	۱۵۷
۱۴۱. فرق بین تولد و مرگ.....	۱۵۸
۱۴۲. از نان چیست؟.....	۱۵۸
۱۴۳. حکمت گردش شب و روز.....	۱۵۸
۱۴۴. مشترک.....	۱۵۸
۱۴۵. ظاهر خوش و باطن ناخوش.....	۱۵۹
۱۴۶. با یک گل بهار نمی شود.....	۱۵۹
۱۴۷. جلب حس نودوستی بزرگان.....	۱۵۹
۱۴۸. شرف یابی.....	۱۶۰
۱۴۹. نیکو ترین دعا.....	۱۶۰
۱۵۰. مرد شیاد و لاف زن.....	۱۶۰
۱۵۱. او را چگونه می توان یافت؟.....	۱۶۱
۱۵۲. کلاه.....	۱۶۱
۱۵۳. بهشت جای عاقلان و فرزندان باشد.....	۱۶۱
۱۵۴. توانگر فرومایه.....	۱۶۲
۱۵۵. نان می دهند و جان می گیرند.....	۱۶۲
۱۵۶. تخم نکردن مرغ.....	۱۶۲
۱۵۷. مرگ چیست؟.....	۱۶۳
۱۵۸. همدیگر را می درند.....	۱۶۳
۱۵۹. حرف های خوب.....	۱۶۳

۱۶۰. صاحب اصلی..... ۱۶۳
۱۶۱. من می خرم..... ۱۶۴
۱۶۲. من پیاده خواهم رفت..... ۱۶۴
۱۶۳. سگته ناقص..... ۱۶۵
۱۶۴. بر پدر دروغگو لعنت..... ۱۶۵
۱۶۵. رو سفید ترین مردم نزد خداوند..... ۱۶۵
۱۶۶. احوال پرسی از بهلول..... ۱۶۵
۱۶۷. بهای الاغ..... ۱۶۶
۱۶۸. کاه و گل به جای گنج..... ۱۶۶
۱۶۹. عصا به چه کار آید؟..... ۱۶۶
۱۷۰. خر، بخور..... ۱۶۷
۱۷۱. کوتاه شدن زبان..... ۱۶۷
۱۷۲. آینده دنیا..... ۱۶۷
۱۷۳. مگر تو آدم نیستی؟..... ۱۶۷
۱۷۴. سرگردان..... ۱۶۸
۱۷۵. آدم احمق..... ۱۶۸
۱۷۶. پنجاه دینار طلب من..... ۱۶۸
۱۷۷. دوست داشتنی ترین حیوان عالم..... ۱۶۹
۱۷۸. رفتن به عیات مریض..... ۱۶۹
۱۷۹. لاف زنی..... ۱۶۹
۱۸۰. آدم مهم..... ۱۷۰
۱۸۱. طلبکار و احمق..... ۱۷۰
۱۸۲. سؤال بهلول درباره حضرت لوط (علیه السلام)..... ۱۷۰
۱۸۳. سرگرم کردن..... ۱۷۰
۱۸۴. علت بدبویی مدفوع..... ۱۷۱
۱۸۵. بخور و برای من دعا کن..... ۱۷۱
۱۸۶. دیوانه یا عاقل..... ۱۷۲

۱۷۲.....	۱۸۷. سر گرم کردن.....
۱۷۳.....	۱۸۸. نشان کامل شدن عقل.....
۱۷۳.....	۱۸۹. وظیفه چشم آدمی.....
۱۷۳.....	۱۹۰. سعادت در چیست؟.....
۱۷۳.....	۱۹۱. زنان سه گونه‌اند.....
۱۷۵.....	بخش سوم: منسوبیات به بهلول
۱۷۷.....	۱. من خورناس نمی‌کشم.....
۱۷۷.....	۲. تخم مرغ روز.....
۱۷۸.....	۳. وصیت بهلول.....
۱۷۸.....	۴. بهلول و سرکه.....
۱۷۸.....	۵. سبزه کفش‌های بهلول.....
۱۷۹.....	۶. بهلول و پوست.....
۱۷۹.....	۷. آرزوی بهلول.....
۱۸۰.....	۸. ارمای که هنوز دندان در نیارد.....
۱۸۰.....	۹. پیاده می‌آمدم؟.....
۱۸۰.....	۱۰. امانت خواهی.....
۱۸۱.....	۱۱. بیماری مادر.....
۱۸۱.....	۱۲. فرزندان به جای الاغ.....
۱۸۱.....	۱۳. میراث پدری.....
۱۸۱.....	۱۴. خانه بهلول.....
۱۸۲.....	۱۵. پارچه به سر بستن.....
۱۸۲.....	۱۶. مالیدن سریش به کلاه.....
۱۸۳.....	۱۷. بلند کردن سایه از روی زمین.....
۱۸۳.....	۱۸. دست و پا زدن بهلول.....
۱۸۳.....	۱۹. دزدی الاغ.....
۱۸۴.....	۲۰. شکستن پای بهلول.....
۱۸۴.....	۲۱. بهلول و شلغم.....

۲۲. لباس شستن بهلول ۱۸۴
۲۳. به دنبال حواس ۱۸۵
۲۴. روحیه‌ام مرده است ۱۸۵
۲۵. زن به غایت قبیح بهلول ۱۸۵
۲۶. چگونه خواهی زیست؟ ۱۸۶
۲۷. خاتون به خانه فرود آمد ۱۸۶
۲۸. مشاجره بهلول با زنش ۱۸۶
۲۹. جلوگیری از دعوای دو نفر ۱۸۶
۳۰. عqlم می‌رسد، زورم نمی‌رسد! ۱۸۷
۳۱. مهمان ۱۸۷
۳۱. خبر رساندن بهلول ۱۸۷
۳۳. قل و بادام ۱۸۸
۳۴. شراکت ۱۸۸
- نتیجه این مطالب ۱۸۹
- منابع ۱۹۱

مقدمه

نگارش زندگانی مردان بزرگ، کاری بس دشوار و از عهده هر کسی خارج است و امثال ما، مردی بس نیستند که بخواهند در دربار سلیمانی ادعا نمایند که توان انجام چنین کاری بس دشوار از آنان بر خواهد آمد، اما چه کنیم که از بس در بین نگارندگان کتب، اقلامی بس ناگوار دیده شد، مجبور به یک چنین کاری گردیده ایم.

زندگانی عالم عارف، فقیه مجاهد، لقمان زمانه، دوهس بن عمرو صیرفی^۱ معروف به «بهلول عاقل» که یکی از دانشمندان بزرگ قرن دوم و از شاگردان دو امام (امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام) می باشد و به دستور امام، برای آنکه از او خطایی سر نزنند و در دربار کفر برای قضاوت نرود^۲، خود را به عنوان مجنون معرفی نموده، در انتظار ظاهر گردید.

۱- چرای این سخن، در این مجموعه انشاء الله خواهد آمد.

وی با این کار خویش دارای حکایات، مناظرات، مواعظ و کلمات درر باری می‌باشد که هر اهل دل و اشارتی را آگاه و بیدار می‌کند، اما چه کنیم گروهی از نویسندگان، وی را سوژه قرار داده، با هر حرافی، مطالب ناسنجیده و نادرستی را به این فقیه نسبت داده، وی را در معرض مضحکه قرار داده، می‌بایست آنان را آگاه به افکار غلطشان نمود.

غرض ما در این مجموعه اولاً: معرفی این دانشمند و ثانیاً: بیان کلمات درّ بار این فقیه و ثالثاً: ردّ هر آنچه را که به وی نسبت داده‌اند می‌باشد.

از تمامی عزیزانی که این مجموعه را مطالعه می‌کنند خواهشمندیم اگر در این مجموعه عیبی مشاهده گردید، ما را عفو نموده و از یادآوری آن به ما دریغ نفرمایند.

والسلام

مهجوری / حاجی

زمستان ۱۳۸۹ هجری شمسی